



جایگاه اقتصادی زنان ترکمن شمال خراسان در دوره قاجاریه با تأکید بر نمونه موردی فرش ترکمنی

ام‌البنین رحیمی^۱، امیر اکبری^۲ ^{id}، امید سپهری راد^۳

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، omra20111169@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، amirakbari84@yahoo.com
^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

چکیده

قبایل ترکمن شمال خراسان، در شمال و شمال غرب بجنورد در مناطقی چون جرگلان، مانه و سملقان سکونت داشتند. از میان این قبایل (تکه، یموت و گوکلان)، گوکلان‌ها خیلی پیش‌تر از بقیه ترکمانان به یکجانشینی و زراعت روی آوردند اما بقیه آن‌ها به تدریج و براساس یکسری مقتضیات، سبک زندگی خویش را تغییر دادند. در میان قبایل ترکمن، عمده فعالیت‌های مردان، محدود به امور جنگی، شکار، تفریح و پرورش اسب بود؛ درحالی‌که فعالیت‌های مربوط به خانه و دام، در کنار کارهایی چون قالی‌بافی، نم‌دبافی و ... برعهده زنان بود و مردان هیچ مشارکتی در این امور نداشتند. فرش‌های ترکمنی از مهم‌ترین کالاهایی بود که توسط زنان ترکمن با نقش و نگار جذاب و زیبا بافته و برای فروش به بازار عرضه می‌شد. سؤال اصلی این است که زنان ترکمن، چه فعالیت‌های اقتصادی را انجام می‌دادند و از چه جایگاه اقتصادی در میان قبایل ترکمن برخوردار بودند؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از نقش محوری زنان ترکمن دوره قاجار در اقتصاد به ویژه فرش‌بافی بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش زنان ترکمن در اقتصاد شمال خراسان در دوره قاجاریه.

۲. بررسی نقش زنان در فرش‌بافی ترکمن.

سوالات پژوهش:

۱. زنان ترکمن چه نقشی در اقتصاد شمال خراسان در دوره قاجار داشتند؟

۲. زنان ترکمن چه نقشی در صنعت فرش‌بافی داشته‌اند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۳۵۵ الی ۳۷۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

جایگاه اقتصادی زنان،
قبایل ترکمن،
خراسان شمالی،
دوره قاجار،
فرش ترکمن.

ارجاع به این مقاله

رحیمی، ام‌البنین، اکبری، امید، سپهری راد، امید. (۱۴۰۲). جایگاه اقتصادی زنان ترکمن شمال خراسان در دوره قاجاریه با تأکید بر نمونه موردی فرش ترکمنی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۳۵۵-۳۷۳.



[dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.43](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.43)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.43](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.43)

مقدمه

در خصوص وضعیت زنان در جامعه ایران دوره قاجار، در ابتدا می‌بایست میان شرایط زنان ایللیاتی و روستائی با زنان شهرنشین تفکیک قائل شده و سپس به صورت جداگانه هر کدام را مورد بحث و بررسی قرار داد (شیل، ۱۳۶۲: ۸۷-۸۸؛ کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۳۰۵-۳۰۶). در دوره مذکور برخلاف زنان شهرنشین، زنان ایللیاتی و روستائی نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی داشتند و در میان برخی از قبایل، بیشتر از مردان به تلاش و فعالیت می‌پرداختند.

قبایل ترکمن شمال خراسان، در شمال و شمال غرب بجنورد در مناطقی چون جرگلان، مانه و سملقان سکونت داشتند. طوایفی از ایل گوکلان و تکه در مانه و سملقان، و در جرگلان، قبایلی از ایل نخورلی زندگی می‌کردند. از میان آن‌ها گوکلان‌ها خیلی پیش‌تر از بقیه ترکمانان به یکجانشینی و زراعت روی آوردند اما بقیه آن‌ها به تدریج و براساس یکسری مقتضیات، سبک زندگی خویش را تغییر دادند. در میان قبایل ترکمن، عمده فعالیت‌های مردان محدود به امور جنگی، شکار، تفریح و پرورش اسب بود؛ درحالی‌که فعالیت‌های مربوط به خانه و دام، در کنار کارهایی چون قالی‌بافی، نم‌دبافی و ... برعهده زنان بود و مردان هیچ مشارکتی در این امور نداشتند. این زنان، مهارت بسیاری در قالی‌بافی داشتند و این کالا یکی از اقلام صادراتی این دوره بود، علاوه بر قالی‌بافی، در برپاکردن آلاچیق و نم‌دبافی که به نظر کاری مردانه به حساب می‌آمد، نقش اصلی را برعهده داشته و مردان در انجام آن امور، هیچ نقشی نداشتند. درواقع، آن‌ها یک عنصر پویا و خستگی‌ناپذیر در جهت احیا و تحرک قبیله به حساب می‌آمدند، لذا به لحاظ نقشی که در میان قبایل ایفا می‌کردند اهمیت فراوانی داشتند، در نتیجه، در میان قبایل ترکمن هم از آزادی بیشتری برخوردار بودند و هم ارزش بیشتری برای آن‌ها قائل بودند. بر طبق آداب و رسوم قبایل ترکمن در هنگام ازدواج، مرد موظف بود شیربها متناسبی را برای تشکیل زندگی، در اختیار خانواده دختر قرار دهد.

باتوجه به انجام فعالیت‌های مذکور از جانب زنان ترکمن در منطقه شمال خراسان، نقش آنان در دوره مذکور کم‌تر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و با استفاده از منابع اصلی، و بر پایه مطالب مندرج در سفرنامه‌های خارجی، به نگارش درآمده است. از میان سفرنامه‌ها، می‌بایست به سفرنامه فریزر^۱ و سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه اثر وامبری سیاح مجار

۱. فریزر به عنوان یک اسکاتلندی دوبار در دوران فتحعلی‌شاه به ایران آمد. در مرتبه اول سال ۱۸۲۱م/ ۱۲۳۶ق وارد ایران شد و از منطقه خراسان هم دیدن نمود اما چون به هدف خود نرسید، به اروپا بازگشت. فریزر در مرتبه دوم، سال ۱۸۳۳م/ ۱۲۴۷ق در سن پنجاه سالگی مجدداً به خراسان وارد شد و پس از بازدید از منطقه شمالی ایران و رفتن به تبریز، به زادگاه خود بازگشت. وی جزء معدود سیاحانی است که دوبار و به فاصله دوازده سال از خراسان و منطقه شمال خراسان بازدید نمود. فریزر به تغییراتی که در این منطقه روی داده بی‌توجه نبوده و سعی کرده تا شرایط خاص این دوره را در گزارش خود تشریح کند. پس از وقفه‌ای دوازده ساله که وارد خراسان می‌شود شاهد اوضاع خراب و نابسامان منطقه شده و در موارد متعدد به کمی جمعیت، روستاها و دهکده‌های ویران، گدایان بی‌شمار در مشهد و ناامنی‌هایی که ترکمانان ایجاد می‌کردند، اشاره نموده است. در بار دوم که اواخر دوره فتحعلی‌شاه می‌باشد او خطر را به جان می‌پذیرد و به میان قبایل ترکمن شمال خراسان رفته و گزارش نسبتاً خوبی از زندگی آن‌ها ارائه می‌دهد.

(۱۸۳۲-۱۹۱۳)^۲، اشاره کرد که هر دو کتاب پیش از پیمان آخال (۱۲۶۰ش/۱۸۸۱م)، به نگارش درآمده‌اند. در عین حال، کتاب دوم با تفصیل بیشتری به شرح آداب و رسوم قبایل ترکمن پرداخته است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال آثاری به بررسی نقش زنان در اقتصاد مناطق ترکمن پرداخته‌اند. بردی و مردادنژاد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحولات اجتماعی ۵۰ سال اخیر در بین عشایر ترکمن (مطالعه موردی: بندر ترکمن) به نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در این منطقه نیز اشاره کرده است. جرجانی (۱۳۸۲) در کتابی با عنوان «زن ترکمن: پژوهشی در نقش زنان ترکمن در ساختار اجتماعی- اقتصادی جامعه ایل‌نشین» به نقش محوری زنان در اقتصاد ترکمن‌ها پرداخته است. در آثار ذکر شده به صورت مستقل به نقش زنان ترکمن شمال خراسان دوره قاجاریه پرداخته نشده است لذا در پژوهش حاضر به این مسئله پرداخته می‌شود.

۱. اقتصاد قبیله‌ای؛ ضرورت‌های اولیه

اقتصاد یک فعالیت مستمر و روزانه انسانی در راستای تولید، توزیع و مصرف در جهت تأمین مایحتاج اولیه است (دولت‌شاهی، ۱۳۸۳: ۱۹). به‌عنوان یک علم که زیرمجموعه علوم انسانی است، به چگونگی کسب ثروت، ازدیاد و نحوه هزینه کردن آن می‌پردازد (فروغی، ۱۳۷۷: ۹). زراعت، تجارت و صنعت فعالیت‌های عمده اقتصادی به حساب می‌آیند که بشر با توجه به اقلیم و آب‌وهوایی که در آن زندگی می‌کند، سعی می‌کند با بهره‌گیری از طبیعت و انجام هر یک از این فعالیت‌ها، مایحتاج خود را فراهم کند یا بیشترین سود و منفعت را کسب کند.

ابن خلدون جامعه‌شناس سده هشتم ق، به لحاظ ساختاری دو نوع اجتماع بادیه‌نشین و شهرنشین را از هم منفک نمود و به صورت تئوریک به تفاوت‌ها و تمایزات ساختاری میان آن‌ها اشاره کرد. از دیدگاه او، در اجتماع بادیه‌نشین و کوچ‌رو، انسان با توجه به شیوه معاش، به کسب ضروریات اولیه (خوراک، پوشاک و مسکن) قناعت می‌کند (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۲۲۹/۱). کشاورزی و پرورش حیوانات شیوه اصلی معیشت در این نوع از اجتماع است. پرورش حیوانات (گاو و گوسفند) نیاز به چراگاه‌ها و دشت‌های سرسبز دارد تا احشام آن‌ها بتوانند رزق این اجتماع را مهیا کنند. این نوع از زندگی بیشتر در میان بربرها، ترکان و به‌خصوص ترکمانان رواج داشت (همان: ۲۲۸). بادیه‌نشینان، خوراک، پوشاک و مسکن ساده‌ای دارند و همان‌طور که بیان شد به کسب ضروریات قناعت می‌کنند. تجملات (از قبیل اثاث‌خانه، خوراک لذیذ و ساخت بناهای زیبا)، صنعت و دانش در میان آن‌ها رواج ندارد. از دیدگاه این جامعه‌شناس تونسسی، برای رواج صنعت و کسب دانش، جامعه می‌بایست از کسب ضروریات فراتر رفته به رفاه دست یابد تا زمینه برای تحصیل و یادگیری صنعت و

^۲. وامبری در سال ۱۸۶۱م/۱۲۴۱ق، سفر خود را به قسطنطنیه، و ترابوزان آغاز کرد. پس از مدتی توقف در آن شهر، به سمت تهران حرکت کرد و در طی مسیر به مشاهده شهرهای تبریز، زنجان و قزوین پرداخت. پس از مدتی توقف در تهران، به شیراز حرکت کرد اما مجدداً به تهران بازگشت و از آنجا به سمت ساری و گمش‌تپه حرکت کرد و از آن مناطق بازدید کرد. از قسمت شمال و شمال شرق ایران، به سمت سمرقند، بخارا و خیوه حرکت کرد و مشاهدات خود را از مناطق ترکمن‌نشین و آن چه در آسیای میانه برای او رخ داده بود، به ثبت رساند.

دانش فراهم شود. این میزان از رفاه، در جوامع شهرنشین با تولید ثروت بیشتر حاصل می‌شود، اما هرچه شهرنشینان در ثروت و رفاه غوطه‌ور می‌شوند، همبستگی اجتماعی خود را از دست می‌دهند و به آسانی مغلوب قبایل بدوی و مهاجم می‌شوند (همان: ۲۶۸).

باید اشاره کرد که اقتصاد در شکل سنتی آن، لزوماً بر مبنای سودمحوری و منفعت‌طلبی شخصی نبود اما در شکل مدرن آن، سودمحوری و منافع ملی پایه و اساس آن قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، تقسیم کار و استفاده از ماشین‌آلات باعث دگرگون شدن نظام تولیدی گردید (اسمیت، ۱۳۵۷: ۷ و ۱۱). به صورت سنتی، انسان با نهایت تلاش و کوشش در طول روز می‌توانست میزان محدودی تولید داشته باشد و از همان میزان محدود، نیازها و مایحتاج روزانه خود را تأمین می‌کرد. اما در شکل مدرن آن و با تخصصی شدن فنون و هنرها، انسان مدرن غربی بیشتر از میزان نیازش تولید و انباشت می‌کرد. برای فروش این تولید انبوه، احتیاج به یک بازار مصرف گسترده وجود داشت و ادامه این روند، نیازمند مواد اولیه ارزان و در دسترس بود. بدین ترتیب شکل روابط اقتصادی به صورت بنیادی دچار دگرگونی شد و مراودات سیاسی بر مبنای نظام سلطه شکل گرفت.

۲. قبایل ترکمن شمال خراسان

خراسان منطقه‌ای وسیع در شرق و شمال شرق ایران است. این شهر در گذشته یکی از وسیع‌ترین و مهم‌ترین ایالت‌های ایران بود و هنوز به عنوان یکی از مناطق مهم ایران، جایگاه خود را حفظ کرده است؛ هرچند که از وسعت آن بسیار کاسته شده است. در مقاطع مختلف تاریخی، خراسان مورد هجوم ترک‌ها، مغولان، تاتارها قرار گرفته و آسیب‌ها و صدمات مهمی را متحمل شده است. در آغاز دوره صفویه (۹۰۷ ق) و با رسمیت یافتن مذهب تشیع، دولت صفویه از دو سو (شمال شرق و شمال غرب)، در احاطه دو دولت سنی مذهب اوزبکان و عثمانی قرار گرفت. از این زمان تا دوره ناصری ایالت خراسان مورد تاخت و تاز اوزبکان و پس از آن‌ها ترکمانان قرار گرفت.

در دوره صفویه، شمال خراسان بارها مورد تهاجم و غارت ازبکان قرار گرفت. ازبکان مدتی مدید این منطقه را تهدید و غارت کردند (روملو، ۱۳۵۷: ۱۸۰؛ ترکمان، ۱۳۹۰: ۶۸۷/۱-۶۸۸). تا اینکه شاه عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ ق)، برای حفظ امنیت و ثبات منطقه، مهاجرت اکراد را از سمت غرب ایران به مناطق شمالی خراسان در دستور کار قرار داد. این اقدام مهم در اوایل سده یازدهم ق، انجام شد (توحیدی، ۱۳۵۹: ۱۸؛ شاکری، ۱۳۶۵: ۵۴) اما این مهاجرت، باعث ایجاد ثبات و امنیت در شمال خراسان نشد. پس از ازبکان، ترکمن‌ها با تهاجم و غارت این منطقه، شرایط را برای مردم این ناحیه وخیم‌تر از گذشته کردند. استمرار این شرایط در دوره قاجار در خراسان، وضعیت ناگواری را برای مردم این منطقه به وجود آورد (امین لشکر، ۱۳۷۴: ۱۲۰-۱۲۱؛ ذبیحی، ۱۳۶۳: ۱۶۹).

مانه و سملقان در شمال و شمال غرب بجنورد، از دره‌های زیبای شمال خراسان به حساب می‌آیند. مناطقی که کردها پس از مهاجرت در آن سکونت یافتند و توانایی ایستادگی در برابر تهاجم ترکمانان را داشتند. اما قوای آن‌ها نیز در اثر جنگ و جدال‌های طولانی، رو به کاستی و ضعف نهاد؛ لذا در دوره فتحعلی‌شاه قاجار (۱۱۷۶-۱۲۱۳ ش)، نجفعلی‌خان

حاکم بجنورد ترکیب جمعیتی این منطقه را با اسکان چند قبیله ترکمان گوکلان^۳ دگرگون کرد. هدف او از این اقدام، جلوگیری از حملات ترکمانان تکه و ایجاد آرامش در این نواحی بود که به نتیجه نرسید (فریزر، ۱۳۶۴: ۴۳۰).

به تدریج، طوایفی از قبایل دیگر ترکمن در شمال خراسان اسکان یافتند. طوایفی از ایل گوکلان و تکه در مانه و سملقان و در جرگلان، از ایل نخورلی ساکن شدند (گلی، ۱۳۶۶: ۲۳۹؛ میرنیا، ۱۳۶۶: ۱۰۶-۱۰۷). از میان آن‌ها گوکلان‌ها خیلی پیش‌تر از بقیه ترکمانان به یکجانشینی و زراعت روی آوردند (گلی، همان: ۲۰۷؛ میرنیا، همان: ۹۹). قبایل ترکمان میرزا بویلو و آقچه در مانه سکونت داشتند و فریزر به میان این قبایل رفته و از نزدیک مشاهدات خود را در مورد آنان به رشته تحریر درآورده است (همان: ۴۲۶-۴۲۷).

برخلاف گوکلان‌ها، طوایف تکه با التزام بر شیوه تهاجم و یغماگری، به شکل سابق از راه غارتگری امرار معاش می‌کردند (وامبری، ۱۳۶۵: ۳۷۸؛ گریگوری، ۱۳۷۶: ۱۲۶). وامبری در مورد این طوایف چنین می‌نویسد: «باید آن‌ها را یک بلیه واقعی دانست که دست خداوند در تمام شمال شرقی ایران و هرات و ممالک مجاور رها کرده است» (وامبری، همانجا). در میان قبایل ترکمن، اختلافاتی وجود داشت و همین مسئله باعث می‌شد آن‌ها به یک اتحاد منسجم دست پیدا نکنند (همان: ۳۹۷؛ ادوارد بیت، ۱۳۶۵: ۲۰۰). ترکمانان به عنوان مسلمانان حنفی و متعصب که رسوم پیش از مسلمانی در میان آنان رواج داشت و از آن تبعیت می‌کردند، در میان آل‌چیق (که به آن اوی می‌گفتند)، می‌زیستند و اجتماع این آل‌چیق‌ها در یک محیط جغرافیایی، جامعه بزرگتری به نام اُبه (اردوی آل‌چیق‌ها) را تشکیل می‌داد. هر طایفه دارای یک ریش سفید (آق‌سقل) بود که از احترام برخوردار، و وظایف خاصی برعهده داشت (فریزر، همان: ۴۱۹؛ وامبری، همان: ۳۹۴). در میان ترکمن‌ها، ملاها به‌عنوان افرادی که به تقوی و پرهیزگاری شهرت داشتند، مورد احترام افراد قبیله بودند اما آن‌ها نیز تسلط خاصی بر اجرای قوانین شرع در میان افراد قبیله نداشتند (وامبری، ۳۹۶-۳۹۷). اسب جایگاه خاصی در میان ترکمن‌ها، و نقش بسیار مهمی در غارتگری آن‌ها داشت (همان: ۴۰۹).

۳. سلطه اقتصادی روس‌ها بر خراسان

تحولات فکری، اقتصادی و سیاسی که در برخی کشورهای اروپای غربی در سده هجدهم میلادی شکل گرفته بود، در سده نوزدهم میلادی ثمرات بسیاری بر جای گذاشت و بر خاکستر جهان کهن، دنیای نوینی را پایه‌گذاری کرد. اما ایران در سده سیزدهم‌ش / نوزدهم میلادی، از آن دگرگونی‌ها بهره‌ای نبرد و تنها امواج آن تحولات را احساس کرد. نظام فکری نشأت گرفته از خرافات، جبری، تقدیرگرایانه و درگیر اختلافات مذهبی، چنان بسته و متحجرانه بود که اجازه رشد هرگونه اندیشه جدید را نمی‌داد. فعالیت اقتصادی به شکل سنتی و بسته، و میزان تولید در سطحی محدود انجام می‌شد. فقر عمومی و میزان مرگ‌ومیر بالا (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۷۳ و ۷۵)، نبود یک طبقه متوسط و وابستگی شهر به روستا (ویشارد، ۱۳۶۳: ۹۱-۹۲) در تأمین مایحتاج اولیه باعث شد تا ایران در این دوره، به لحاظ اقتصادی نیز در شرایط نامساعدی قرار گیرد. این توانایی و پتانسیل در ایران به‌علت تنوع اقلیمی وجود داشت تا شرایط اقتصادی

۳. گوکلان، مرکب از دو کلمه گوک و لان که به معنای جایگاه سبز است.

بهبود یابد اما نظام ناکارآمد سیاسی، نمی‌توانست زمینه و بستر را برای بهبود شرایط مهیا کند. لذا در دوران فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق)، فرصت مناسبی برای دول استعماری به‌وجود آمد و سرزمین ایران مورد توجه دولت‌های انگلیس، روس و فرانسه قرار گرفت و هرکدام از این دولت‌ها، برای دستیابی به منافع مادی خود، نفوذ خود را در دربار ایران گسترش دادند. به تدریج بازار ایران در شمال و جنوب، در اختیار روس و انگلیس قرار گرفت. روسیه تزاری که توانست منطقه حاصلخیز قفقاز را با عقد قرارداد ترکمنچای (۱۲۰۷ش/۱۸۲۸م) تصرف کند، پس از آن، مصمم شد تا بر مناطق شرق دریای خزر و شمال خراسان نیز سلطه یابد. لذا از نابسامانی و اوضاع آشفته‌ای که ترکمانان ایجاد کرده بودند، نهایت استفاده را برد و به سرکوب آنان پرداخت. عدم انسجام و اتحاد در میان ترکمانان، به سرعت زمینه را برای پیروزی روس‌ها فراهم کرد. از سال ۱۲۶۰ش / ۱۸۸۱م که پیمان آخال میان ایران و روسیه تزاری منعقد شد، این دولت توانست متصرفات خود را تا جنوب عشق‌آباد گسترش دهد و با احداث راه‌آهن از کراسنودسک و تاشکند به عشق‌آباد، علاوه بر ایجاد ثبات و امنیت، باعث رونق تجارت در ایالات ماوراء بحر خزر گردید (سارلی، ۱۳۸۳: ۲ / ۱۳۸). بدین ترتیب توانست بازار خراسان را مملو از امتعه روسی ساخته، و بر تجارت این منطقه نیز سلطه پیدا کرد (کرزن، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۸۴).

میرزا سراج‌الدین که در دوران مشروطه به مناطق شمالی عشق‌آباد و ایالت خراسان مسافرت داشته در کتاب خود با عنوان سفرنامه تحف بخارا چنین می‌نویسد: «تجارت عشق‌آباد هم بسیار در ترقی می‌باشد. تجار روس و ایرانی و ارمنی خیلی دارد. تجارت‌خانه‌های نامی و معتبر بسیار دارد. مال‌التجاره زیادی از اینجا وارد خراسان شده، به سایر شهرهای شمال ایران حمل می‌شود. پنبه و پشم و غیره زیاد از ایران وارد آنجا شده، به مسکو حمل می‌شود» (سراج‌الدین، ۱۳۶۹: ۱۵۹). در طی این مدت، زراعت و تجارت در خراسان رونق مطلوبی یافت و به غیر از تریاک، پنبه، پشم و خشکبار به مناطق مختلف صادر می‌شدند (همان: ۱۸۰-۱۸۱). روسیه برای این که بتواند سلطه خود را بر بازار خراسان حفظ کند کالاهای ارزان قیمت را در اختیار تجار و کسبه قرار می‌داد. کرزن در این خصوص می‌نویسد: «دکان‌ها پر از قماش و قند و شکر و چینی‌آلات و فلزآلات روس و درواقع تمام چیزهای ارزان زندگی شهری است. ... و امکان همه رقابت خارجی را منتفی می‌سازد» (کرزن، ۱۳۸۷: ۱ / ۸۳). از طرف دیگر، روس‌ها تجارت کالاهای باارزش منطقه خراسان را که سوددهی بسیاری هم داشت در اختیار گرفتند. باتوجه به رونق تجارت در این منطقه، دولت ایران گمرک گیغان را در شمال شیروان و در نزدیکی عشق‌آباد تأسیس کرد و روزه‌روز بر اهمیت تجاری این منطقه افزوده شد. در سال ۱۳۰۸ش که زلزله باعث تخریب منطقه گیغان و رباط شد، گیغان آن جایگاه خود را از دست داد.

۴. جایگاه اقتصادی زنان

اقتصاد کوچ‌رو- دامدار با ویژگی‌های خاص خودش، مسئولیت بسیاری بر روی دوش زنان قرار می‌داد. در این شکل از اقتصاد که فرد تابع اجتماع قبیله‌ای است، اولین وظیفه و نقشی که برعهده یک مرد قرار دارد، یادگیری و مهارت در فنون جنگی است. مرد ترکمن خیلی زود و از سنین پایین این مهارت‌ها را می‌آموخت. اما برای این که مایحتاج یک

قبیله یا ایل تأمین گردد یک پشتوانه نیرومند لازم بود. آن پشتوانه مهم، فعالیت زنان ترکمن بود که در حیطه‌های مختلف (تولید مواد لبنی، دامداری و صنایع دستی) به انجام وظایف می‌پرداختند. تولید مثل، انجام کارهای پخت‌وپز و مراقبت از فرزندان برعهده زنان بود. حتی برپا کردن آلاچیق در هنگام اسکان در یک منطقه و یا برچیدن آن در هنگام جابه‌جایی را زنان انجام می‌دادند (گلی، همان: ۳۰۴؛ کمالی و عسکری، ۱۳۷۴: ۱۰۹). در ابتدا گمان می‌رود که چنین وظیفه‌ای را مردان برعهده دارند و آن را انجام می‌دهند اما با یک بررسی کوتاه مشخص می‌شود که چنین وظیفه‌ای را هم زنان برعهده داشتند. حتی اسکلت آلاچیق را زنان برپا می‌کردند (میرنیا، همان: ۱۸۰). به عبارت دیگر، باید گفت که تمام وظایف خانوار در یک قبیله را زنان انجام می‌دادند و مرد تنها خود را برای جنگیدن، مراقبت از قبیله یا به‌دست آوردن و تصرف مناطق جدید آماده می‌کرد.

وامبری که در سده نوزدهم میلادی به میان این قبایل در خوارزم و خیوه رفته و از نزدیک با زندگی آن‌ها آشنا شده، در خصوص مردان ترکمن و فعالیت آن‌ها چنین می‌نویسد: «لابالایگری و تنبلی به طرز اکمل در زندگی داخلی این ملل سرگردان رسوخ دارد. به نظر آن‌ها اگر مرد کار خانه انجام دهد پست می‌شود. مواظبت اسب تنها مشغله اوست. از آن گذشته به عجله به جست‌وجوی بعضی همسایه‌ها می‌رود یا به عده‌ای ملحق می‌شود که در مقابل چادرها چهارزانو نشسته به مباحثات سیاسی یا شرح آخرین دستبرد یا صفات خوب و بد فلان اسب تخمی سوگلی یا مادیان معروف مشغول هستند و چیلیم (نوعی چپق ایرانی) را که از ضروریات به‌شمار می‌رود دست‌به‌دست می‌گردانند» (وامبری، همان: ۴۱۰). بارنز نیز در سفرنامه خود به سستی و تنبلی مردان ترکمن سرخسی نیز اشاره کرده است (بارنز، ۱۳۹۵: ۵۹). در این سبک از زندگی، برخلاف مردان اغلب فعالیت‌ها را زنان انجام می‌دادند. در نتیجه، باید اذعان کرد که زنان نقش بسیار مهمی در فعالیت‌های اقتصادی داشتند. اما زمانی که قبایل ترکمن به زندگی یکجانشینی در شمال خراسان و دشت گرگان روی آوردند و به زراعت پرداختند، نقش مردان تغییر یافت (فریز، همان: ۴۳۳).

۵. صنایع دستی

یکی از پایه‌های اصلی تشکیل‌دهنده اقتصاد در شکل سنتی آن، تولید صنایع دستی است. فعالیت‌های یدی با ابزارآلات و وسایل ساده و کاربردی، که موادخام را به محصولات زیبا، و قابل استفاده تبدیل می‌کند. علاوه بر آن زیبایی، محصول تولیدشده کاملاً جنبه کاربردی داشت و مکان اصلی این گونه فعالیت‌ها، چادرهای ایلات و عشایر، منازل روستاییان و کارگاه‌های کوچک درون شهری بود. باید اذعان کرد که تولید صنایع دستی در میان ایلات و عشایر برعهده زنان بود. آن‌ها علاوه بر فراهم آوردن غذای سالم از شیر و گوشت دام، بیشترین فعالیت را برای تولید دیگر محصولات، از جمله: پارچه‌بافی، قالی‌بافی، نمدمالی و ... داشتند.

۵/۱. نمدبافی

نمد در زندگی ترکمنان اهمیتی بیشتر از فرش داشت و به عنوان یک کالای مهم، بسیار مورد استفاده ترکمنان قرار می‌گرفت و در ساخت و پرداخت آن در اشکال و ابعاد مختلف، زنان ترکمن نقش اول و آخر را داشتند. مهم‌ترین قسمت

نمدبافی، نمدمالی است و برای تهیه آن، زنان ترکمن کار را به صورت گروهی انجام می‌دادند تا از عهده آن برآیند. نمدبافی به عنوان یکی از کارهای سخت و دشوار که در بسیاری از مناطق، مردها آن را انجام می‌دادند، در میان قبایل ترکمن جزء وظایف زنان بود (اعظمی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

آن‌ها در عین حال که از نمد به عنوان زیرانداز استفاده می‌کردند، برای پوشاندن آلاچیق نیز از آن بهره می‌بردند (بوگولیوف، ۱۳۵۶: ۴۱ و ۴۲). پس از آن که اسکلت اصلی آلاچیق برپا شد آن را با استفاده از نمد می‌پوشاندند و به این ترتیب خود را از سرما و گرما محافظت می‌کردند. نمدی را که در پوشاندن آلاچیق استفاده می‌شد، کوچمه نام داشت (همان: ۴۱؛ اعظمی‌راد، ۱۳۸۲: ۷). در ضمن برای استفاده از زین، یک نوع نمد در اندازه کوچک تهیه می‌کردند که بر روی اسب و در زیر زین قرار می‌گرفت (هنری موزر، همان: ۲۲ و ۲۳؛ بیگدلی، ۱۳۶۹: ۴۱۵) تا زین به بدن اسب لطمه‌ای وارد نکند (جوادی‌پور، ۱۳۸۶: ۳۳).

۵/۲. قالی بافی

زنان ترکمن در عرصه صنایع دستی به خصوص بافتن قالی ترکمنی، از تبحر ویژه‌ای برخوردار بودند. باید اذعان کرد که قالی‌بافی در میان این قبایل، چیزی فراتر از تولید یک محصول به حساب می‌آمد. درست است که با رونق شهرنشینی و تحولات سریع در عرصه اجتماعی، این فن به تدریج جایگاه خود را از دست داد اما در گذشته، اهمیت بسیار داشت و جزء میراث ماندگار قبایل ترکمن بوده که همچون قسمتی مهم از فرهنگ این قبایل، یادگیری آن از نسلی به نسل دیگر، باعث تداوم بخش مهمی از آداب و رسوم آن‌ها می‌شد. لذا این هنر، تنها یک مهارت خاص نبود و اهمیت به‌سزایی در میان ترکمن‌ها داشت. فرش‌های ترکمنی در عین سادگی در کاربست نقوش هندسی جلوه‌ای از هنرنمای زنان ترکمن در آفرینش هنرمندانه نقوش متراکم هندسی بود. تصویر شماره (۱) نمونه‌ای از این نوع فرش را نشان می‌دهد.



تصویر ۱. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

تاروپود قالی‌های ترکمنی در بعضی از موارد از پشم است و آن‌ها از پشم گوسفندان خود برای بافتن چنین قالی‌هایی استفاده می‌کنند. قالی ترکمن را زنان بر روی دار افقی و در درون چادر می‌بافند، در نتیجه بافت قطعات کوچک‌تر، رواج دارد. علاوه بر قالی، انواع دیگری از بافته‌های قالی و گلیم گونه نیز که عمدتاً کاربرد ویژه‌ای دارند در مناطق ترکمن‌نشین تولید می‌گردد که از آن جمله می‌توان به خورجین، آمالیق و اجاق‌باشی اشاره کرد. بیشتر قالیهای ترکمن از نوع درشت‌باف هستند؛ ولی در ایل تکه که بیشتر از ابریشم استفاده می‌کنند، ریزبافی تا حد رج ۴۸ و ۵۸ دیده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی فنی بافت قالی آن‌ها تک پوده بودن قالی آن‌ها است (سیدمحمدی، ۱۴۰۲: ۱).

نکته جالب این که، طرح و نقشه‌های مختلف قالی‌ها در ذهن و حافظه زن ترکمن ثبت شده بود و او نیاز نداشت از آغاز تا پایان بافتن یک قالی، نقش خاصی را بر روی کاغذ به تصویر بکشد. اصطلاحاً زن ترکمن ذهنی‌باف بوده و این نشان از اهمیت هنر او داشت. تصویر شماره ۲ نمونه دیگری از فرش ترکمنی است که حاصل ذهن خلاق و تصویرساز زنان ترکمن است.



تصویر ۲. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

در فصل بهار و پاییز، چیدن پشم گوسفند انجام می‌شد و در اختیار زن ترکمن قرار می‌گرفت. پس از شست‌وشوی و خشک‌شدن پشم‌ها، نخ‌ریسی آغاز می‌شد. نخ‌ریسی اهمیت دو چندان داشت و بی‌وقفه ادامه می‌یافت. زنان حتی در

زمان عزاداری برای بستگان هم، از نخریسی دست برنمی‌داشتند و به فعالیت خود در این خصوص ادامه می‌دادند (وامبری، همان: ۴۱۴).

رنگرزی خامه‌ها و چله‌کشی از دیگر فعالیت‌هایی بود که توسط زنان انجام می‌شد و در این پروسه تا پایان کار، مردان نقشی برعهده نداشتند. پس از اتمام کار، این محصول که با مشقت و رنج فراوان تهیه شده، یا در آلاچیق‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و یا برای فروش به نقاطی دیگر از جمله مشهد، فرستاده می‌شد. تصویر شماره ۳ نمونه‌ای دیگر از کاربست نقوش هندسی در فرش‌های ترکمنی است.



تصویر ۳. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

این آلاچیق‌ها با تلاش و فعالیت زنان ترکمن رنگ و نگار تازه‌ای به خود می‌گرفت. از خصوصیات این نوع قالی‌ها، طرح‌های محدود و زیبای آن‌ها در کنار استفاده از رنگ طبیعی قرمز بود، که جلوه خاصی به آن قالی‌ها می‌داد. تصویر شماره ۴ نمونه‌ای از کاربرد رنگ قرمز در فرش ترکمنی است.



تصویر ۴. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

رنگ‌بندی قالی‌های ترکمن از تنوع خاص و متمایز برخوردار است. رنگ‌های قرمز، سبز تیره، زرد، مشکی، سفید، سرمه‌ای، بیشتر از رنگ‌های دیگر به کار برده می‌شود. زمینه به کار رفته در قالی و قالیچه اغلب به رنگ قرمز بود که جلوه خاصی به آن می‌داد و جزء هویت قالی و قالیچه ترکمن شده است.



تصویر ۴. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

در بافت قالی در میان ترکمن‌ها، استفاده از دار افقی و زمینی مرسوم بود؛ درحالی‌که در اقصی نقاط ایران برای بافتن تاروپود قالی، از یک دار عمودی بهره می‌بردند (گلی، همان: ۳۲۵؛ شریف کمالی و عسکری خانقاه: همان: ۱۷۴). تصوی شماره ۵ نمونه دیگری از طرح‌های زیبای فرش ترکمن است.



تصویر ۵. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

نقش‌های به کار رفته در قالی و قالیچه ترکمن، نقوش ساده هندسی است که در ذهن و حافظه زن ترکمن ثبت شده است و با توجه به تغییر و تحولات زندگی و تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، اشکال سنتی خود را حفظ کرده و کمتر دچار دگرگونی شده است. تصویر شماره ۶ از نمونه فرش‌های ترکمن با زمینه قرمز و طرح‌های گیاهی و هندسی است.



تصویر ۶. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

فریزر که نحوه زندگی ترکمن‌های ساکن در مانه را مشاهده کرده بود، به فعالیت و تلاش زنان ترکمن در قالی‌بافی اشاره کرده است (فریزر، همان: ۴۲۹). او در این خصوص می‌نویسد: «من بسیاری از زنان را دیدم که سرگرم قالی‌بافی بودند، قالی‌هایی که ترکمن‌ها به آن خوبی می‌بافند و اکنون من جریان این کار را با علاقه‌مندی تماشا می‌کردم» (همانجا). بنجامین به‌عنوان نخستین سفیر ایالات متحده که در دوره ناصرالدین‌شاه وارد ایران شده، درخصوص مزیت‌های قالی ترکمنی به طرح و رنگ زیبا، بافت ریز و دوام آن اشاره کرده است (بنجامین، ۱۳۹۱: ۳۸۷).

فرش‌های ترکمنی تا پیش از حضور روس‌ها در مناطق ماوراء بحر خزر به‌طور عمده در بازار مشهد خرید و فروش می‌شد (کرزن، همان: ۳۳ / ۱). در فرش ترکمن، نقش و تأثیر تراکم در به‌وجود آمدن فرش آشکار می‌شود و عشایر ترکمن بنابه طبیعت زندگی و نیازهای خود نقش‌هایی را می‌آفرینند که ریشه در تار و پود زندگی آنان دارد؛ نقش‌هایی که با اندک تأمل بر روی آن می‌تواند به‌عنوان گنجینه‌ای گرانبها قسمتی از هنر و صنعت قالی‌بافی دنیا را به تسخیر خود درآورد. از دورانی که دامداری در میان ترکمن‌ها رواج یافت همزمان با آن هنر قالی‌بافی نیز شکل گرفته و معمول شده

است. مظاهر طبیعت و آنچه در محیط‌زیست عشایر ترکمن وجود دارد را می‌توان به‌عنوان منشأ نقش‌هایی پنداشت که اینک به‌دست ما رسیده است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴۸). تصویر شماره ۷ از نمونه فرش‌های ترکمن با نقوش گیاهی و هندسی متراکم است.



تصویر ۷. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

پس از تثبیت حضور روس‌ها در آن مناطق، از طریق تجار روس به اروپا صادر می‌شد، این درحالی بود که در دوره ناصری در شهر مشهد، چهل کارخانه فرش‌بافی وجود داشت (همانجا). اما با توجه به کیفیت فرش ترکمنی، این محصول به اروپا فرستاده می‌شد (وامبری، همان: ۵۱۷). تصویر شماره ۸ از طرح‌های زیبای قالی ترکمن با زمینه نارنجی، حاشیه منقوش به طرح‌های هندسی و نقوش گیاهی برگرفته از طبیعت در مرکز است.



تصویر ۸. قالی ترکمن. دوره قاجار، موزه فرش گنبدکاووس

به طور مشخص، در سال ۱۸۸۹م/ ۱۳۰۷ق به میزان ۵۷۰۰ لیره فرش ترکمنی به روسیه صادر شده بود (کرزن، همان: ۹۰/۱). البته باید اذعان کرد که فرش ترکمنی که در منطقه سرخس بافته می شد نیز از کیفیت مطلوبی برخوردار بود و جزء اقلام صادراتی به حساب می آمد.

قالی بافی شرقی و از آن جمله قالی بافی ترکمن، هر نقش مایه ای را بر قالی و دیگر دست بافته های خود ترسیم می کند که نمادی از باورهای قومی و اعتقادی اش است. ترکمن ها همواره هنر را با زندگی و اعتقادات خویش می آمیزند و باورهای مذهبی و اسطوره ای، میراث قومی و بینش های فلسفی خود را به صورت شکل های ساده و استیلیزه در قالی به کار می برند (کریمی بابا احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۷).

بافت فرش در میان اقوام ترکمن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و با زندگی آنان عجین شده است. بافندگان فرش این منطقه که عمدتاً زنان می‌باشند، از نقوش و موتیف‌های متنوع و زیبایی استفاده می‌کنند. بن‌مایه اصلی این نقوش همان تصاویر طبیعت ابتدایی است که به‌طور ناخود آگاه و غریزی زنان بافنده ترکمن را مجذوب خود ساخته و همچنین در ارتباط مستقیم با نیازهای ضروری و زندگی روزمره آن‌ها می‌باشد. با بررسی نگاره‌های موجود در فرش‌های ترکمن متوجه می‌شویم که نقوش حیوانی بیش از سایر نمادها خود را جلوه‌گر می‌سازند. این نقوش که در قالب اشکال هندسی، انتزاعی و تا حدی ابتدایی می‌باشند، به‌صورتی کاملاً نمادین در جهت ارضای نیازهای عاطفی، تمثیلی از آیین‌ها و بلورهای مذهبی، نمود احساسات زنان بافنده و همچنین تقدیس و ارج نهادن به نقش مهم جانوران در نزد ترکمن‌ها است. قابل ذکر است که به جهت کراهت دین اسلام از به‌کارگیری تصویر جانوران، زنان هنرمند ترکمن از تصویر جای پای جانور در قالب گل ترکمن که شهرت بسیار دارند، استفاده کرده است (صلواتی، ۱۳۹۰: ۱).

۵/۳. سوزن‌دوزی

یکی از هنرهای مرسوم در میان زنان ترکمن، سوزن‌دوزی انواع لباس و کلاه بود. زنان ترکمن در تهیه پوشاک سنتی سلیقه و هنر خاصی داشتند (معطوفی، همان: ۲۲۹۶/۳). یکی از البسه مرسوم در میان آن‌ها که اغلب از پارچه قرمز رنگ دوخته می‌شد، کوی‌نوک نام داشت.

در فصل زمستان برای محافظت از سرما، از کورته استفاده می‌کردند. پارچه‌ای نسبتاً ضخیم که آن را بر روی سر می‌انداختند و بالاتنه آن‌ها را به خوبی پوشش می‌داد. علاوه بر آن، از چارود (جبه) هم استفاده می‌کردند که پوششی بسیار مناسب برای فصل زمستان بود (همان: ۲۲۹۸).

برای پوشش سر، از کلاهی با نام بوروک استفاده می‌کردند. باید اذعان کرد که اغلب این البسه و پوشش‌ها، با هنر سوزن‌دوزی مزین می‌شد و جلوه و ظاهری مطلوب به زن ترکمن می‌داد.

نتیجه‌گیری

طبق دیدگاه ابن‌خلدون، در اجتماع بادیه‌نشین و کوچ‌رو، کسب ضروریات اولیه در اولویت قرار دارد و از جهت شیوه معیشت، از این مرحله فراتر نمی‌رود. در میان ترکمنان نیز شیوه معاش به این شکل بود و در تهیه و فراهم آوردن ضروریات اولیه برای بقای یک قبیله، زنان نقش اصلی و محوری را برعهده داشتند. پس از اسکان ترکمنان گوکلان در شمال خراسان و روی آوردن آن‌ها به کشاورزی، باز هم از نقش و فعالیت زنان کاسته نشد و نقش محوری در اقتصاد خانوار داشتند. در کنار تولید محصولات لبنی که با استفاده از ابزار اولیه مهیا می‌شد، زنان ترکمن در تولید صنایع دستی همچون قالی‌بافی، گلیم‌بافی، نمدبافی و ... تبحر ویژه‌ای داشتند.

قالی ترکمنی در دوره قاجار برای فروش به بازار مشهد روانه می‌شد، اما در اواخر دوره ناصری و پس از سلطه اقتصادی روس‌ها بر خراسان، این محصول توسط تجار روس به اروپا صادر می‌شد. فرش در فرهنگ ترکمن، ریشه در زندگی و

بقایشان دارد، فرش ترکمن زاده ذهن خلاق و اندیشه جست‌وجوگر و داستان ماهر مادران می‌باشد. مادری که تمامی بار خانواده بر دوشش سنگینی می‌کند. آلاچیق را برپا کند، گله را بیاید، همیزم جمع کند، پخت‌وپز کند و بچه تربیت و آموزش‌های لازم را به آن‌ها بدهد، و با این مسئولیت عظیم قالی نیز ببافد.

در متن فرش نقش‌های متشابه غالباً به شکل‌های هندسی به نام «گول» و نقش‌های کوچک‌تری ما بین گول‌ها به نام «آراگول» یا گولچه می‌گویند. نقوش فرش‌های ترکمن عمدتاً از محیط اطراف و الهام از محیط طبیعت بوده است. عمدتاً گیاهان، پرندگان و انواع جانوران اهلی و وحشی و نظایر آن را در نقوش واقعی می‌بینیم. با گذشت زمان این نقوش به صورت نمادهایی که در حد غیرقابل تشخیص می‌باشد در آمده است. با این حال بعضی از این نقوش به نقش اصلی (نقش واقعی) شباهت نزدیکی دارد. با این تفاسیر باید گفت زنان ترکمن شمال خراسان با برعهده گرفتن فعالیت در عرصه صنایع دستی و به‌ویژه فرش بافی نقش مهمی در ساختار اقتصادی ترکمن‌ها برعهده داشته‌اند.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۸۸). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسمیت، آدام. (۱۳۵۷). ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام.
- اعظمی‌راد، گنبد دردی. (۱۳۸۲). نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها، مشهد: مؤلف.
- امین‌لشگر، میرزا قهرمان. (۱۳۷۴). روزنامه سفر خراسان به همراهی ناصرالدین‌شاه، تهران: اساطیر.
- بارنز، آکس. (۱۳۹۵). سفرنامه آکس بارنز، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد: به‌نشر.
- بنجامین، ساموئل گرین. (۱۳۹۱). ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بوگولیوف. (۱۳۵۶). فرش‌های ترکمنی، ترجمه ناز دیبا، تهران: موزه فرش ایران.
- بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۶۹). ترکمن‌های ایران، تهران: پاسارگاد.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۹۰)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران: نگاه.
- توحدی، کلیم‌الله. (۱۳۵۹). حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران، مشهد: بی‌نا.
- جوادی پور، محمود. (۱۳۸۲). نمدهای ایران؛ پژوهشی در زمینه نمدهای منطقه گرگان و دشت، تهران: فرهنگستان هنر و سازمان میراث فرهنگی.
- ذبیحی، مسیح. (۱۳۶۳). گرگان‌نامه، تهران: بابک.
- روملو، حسن بیگ. (۱۳۵۷). احسن‌التواریخ، تهران: بابک.
- سارلی، اراز محمد. (۱۳۸۳). تاریخ ترکمنستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- شاکری، رمضانعلی. (۱۳۶۵). اترکنامه؛ تاریخ جامع قوچان، تهران: امیرکبیر.
- شریف کمالی، محمد و عسگری خانقاه، اصغر. (۱۳۷۴). ایرانیان ترکمن، تهران: اساطیر.
- شیل، مری. (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۷۷). اصول علم ثروت ملل، تهران: فرزانه روز.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.

- کارلاسرنا. (۱۳۶۳). سفرنامه کارلاسرنا؛ مردم و دیدنیهای ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۷). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- گلی، امین‌الله. (۱۳۶۶). سیری در تاریخ سیاسی اجتماعی ترکمن‌ها، تهران: علم.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب. (۱۳۸۳). مبانی علم اقتصاد، تهران: خجسته.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۸۳). تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمن، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ملگونوف، گریگوری. (۱۳۷۶). کرانه‌های جنوبی دریای خزر، ترجمه امیرهوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.
- موزر، هنری. (۱۳۵۶). سفرنامه ایران و ترکستان (گذری در آسیای مرکزی)، تهران: سحر.
- میرزا سراج‌الدین. (۱۳۶۹). سفرنامه‌ی تحف بخارا، تهران: بوعلی.
- میرنیا، سیدعلی. (۱۳۶۶). طوایف ترکمن در دشت گرگان و خراسان، مشهد: اطلس.
- وامبری، آرمینیوس. (۱۳۶۵). سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران: علمی و فرهنگی.
- ویشارد، جان. (۱۳۶۳). بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، بی‌جا: انتشاراتی نوین.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۴). اقتصادی سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- بیت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵). خراسان و سیستان؛ سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: یزدان.

مقالات

- سیدمحمدی، خدیجه. (۱۴۰۲). «نگرشی تطبیقی بر طرح‌های قالی ترکمن و سوزن دوزی زنان بلوچ». اولکامیز.
- صلواتی، مرجان. (۱۳۹۰). «تجلی نقوش جانوری در فرش ترکمن». همایش ملی هنر، فرهنگ و تاریخ تولید فرش دستباف ایران و جهان.
- غفاری، زهرا. (۱۳۹۰). «بررسی نقوش فرش ترکمن». فرهنگ مردم ایران، شماره ۲۵، ۱۵۴-۱۴۳.
- کریمی بابااحمدی و همکاران. (۱۳۹۳). «تحلیل ساختاری و محتوای قالی ترکمن بررسی موردی یک نمونه قالی «چووال گل»». نقش‌مایه. دوره ۸، شماره ۱۹، ۳۷-۲۷.